

به نام آنکه فرصت داد ما را



معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

با برگزیدگان بیندیشیم

شناسنامه اثر

عنوان: با برگزیدگان بیندیشیم؛ ویژه‌نامه بزرگداشت هفته آموزش دانشگاه فرهنگیان

تهیه‌کننده: ستاد مرکزی بزرگداشت هفته آموزش دانشگاه فرهنگیان

ناشر: معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان

زمان نشر: اردیبهشت ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه	۳
آمنه احمدی (آموزش حرفه‌ای در تربیت معلم)	۷
مریم براهویی جهانشاهی (آموزش در مراکز تربیت معلم)	۱۱
فهیمة جمالی راد (جایگاه تربیت معلم در نظام آموزش و پرورش)	۱۴
فاطمه علمدار (نکاتی در مورد تربیت معلم)	۱۷
آیت‌الله کریمی باغملک (آموزش و تعلیم و تربیت)	۲۳
مجتبی مقصودی (آموزش در تربیت معلم)	۲۸
نعمت‌الله موسی‌پور (پیامبر ^(ص) و آموزش)	۳۱
عبدالمجید نگارش‌نژاد (رسالت آموزشی دانشگاه فرهنگیان)	۳۷

مقدمه

قصه خلقت انسان دارای آموزه‌های فراوانی است که یکی از آنها، تأکید خداوند بر «دانایی» است. خدای علیم در پاسخ به فرشتگان که نگرانی خود از خونریزی انسان را یادآور می‌شوند، می‌فرماید: قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره، ۳۰): من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. این وجه قصه خلقت، برجسته کردن دانایی و اهمیت دانایان را آشکار می‌کند. در همین قصه تعامل بین خداوند و فرشتگان از نوع گفتگوی پرسشی است. این نیز آموزه دیگری برای فرایندهای تربیتی است. تأکید خداوند بر دانایی و تعامل او با فرشتگان از موضع طرح پرسش، بیش از هر چیز به آموزشگران می‌آموزد که آموزش سزاوار است از سوی کسانی دنبال شود که واجد دانایی هستند و از سوی دیگر به آنان می‌آموزد که محور آموزش را بر مساله قرار دهند. این دو خصیصه آموزش، امروزه در عمل دانشگاهی بسیار حائز ارزش شده‌اند. تأکید بر اینکه معلمان خود از دانش لازم برخوردار و با پیشرفت‌های آن آشنا باشند و به هنگام آموزش، مساله‌محوری را بنیاد کار خود سازند، امری فراگیر و مقبول است.

نام‌گذاری روزها در فرایند فعالیت‌های جاری سازمانی دارای این اثر است که مدتی بر آن موضوع، بیش از حد روزمره، تمرکز شود و از لایه‌های پنهان آن خبری آشکار شود. هفته معلم / آموزش نیز چنین فرصتی است. در این فرصت، انتظار می‌رود کدام امور پنهان را دست‌اندرکاران آشکار سازند؟

اینکه انتظار چیست، پرسشی است که می‌توان امیدوار بود کسانی همت گمارند و به تشریح آن بپردازند؛ اما اینکه اکنون چه کاری انجام شده است، وظیفه‌ای است که برعهده دست‌اندرکاران است.

طی ماههای گذشته کوشش شد تا به شناسایی کسانی اقدام شود که در تربیت معلم ایران، کوشش‌های موثری داشته‌اند تا به تربیت معلم اقدام کنند. آنچه از تلاش‌های به عمل آمده در این بخش حاصل شد،

شناسایی تعدادی از اشخاص خدمتگزار این عرصه بود؛ که بر بنیاد موازین معمول در شناخت کوشندگان این حوزه مطرح و مرسوم است.

اما، چنین موازینی برای تربیت معلم کشور با عمری بلند و دستاوردهای افتخارآفرین، کفایت نمی‌کرد. برای رفع چنین نقصی، کوششی تازه‌ای آغاز شد تا به شناسایی مدرسان پیشکسوت اقدام شود. ما بر این باور بودیم که در میان کسانی که به کار تربیت معلم کشور رونق داده‌اند، کمتر کسانی را می‌توان شناسایی کرد که خود حاضر به عرضه خود به عنوان شخص موثر باشند. این اشخاص بیش از آنکه به عرضه خود پردازند، زمینه را برای تحقق دیگران تدبیر می‌کنند. اینان کسانی هستند که معمولاً از سابقه‌ای بلند برخوردارند، وجهه‌ای الگویی برای دیگران دارند، اخلاق و رفتار آنان مثال زدنی است و حسن شهرت آنان در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی بر سر زبانهاست. اینان معلمانی هستند که از شدت حضور، پنهان‌اند. کسانی هستند که هر جا به خدمتی نیاز هست، حضور دارند و هر کجا از مکتبی خبری است، پنهان می‌شوند. ما در پی آن بودیم تا عمل این گروه موثر در تربیت معلم را از منظری دیگر با دست‌اندرکاران این عرصه در میان نهیم؛ و این را دست‌آورد ویژه این دوره قدرشناسی از مدرسان و استادان قلمداد کنیم.

بر این باور خویش، همکاران خود را به مشارکت طلبیدیم. مدیران پردیس‌ها را ماموریت دادیم تا ما را از این وجودهای روشنی‌بخش حیات معلمی باخبر سازند و می‌پنداشتیم که به سهولت چنین خواهند کرد. اما در عمل چه شد؟ باز همان شد که سیطره کمیت با سایر شناخت‌های ما در عرصه تربیت معلم کرده است. برخی از همکار دارای دغدغه عدالت، شرایطی را تعریف کردند که در اقدام به این شناخت، فرم‌ها ساخته شد، اندازه‌ها به میان آمد، آثار قلمی جستجو شد و در لابلای پستوهای پژوهش‌های تربیت معلم، جستجوی سازمان یافته برای شناخت خورشید معلمی مطرح گردید. البته برخی از مدیران نیز بودند که به درستی پیام را دریافتند و گنج‌های پنهان پردیس خود را آشکار ساختند. ما به اتکای این همکاران گوهرشناس خود،

برخی از پیشکسوتان بی‌مانند عرصه تربیت معلم را شناختیم و به معرفی آنان در مراسم دانشگاه و مراسم خاص پردیس‌ها خواهیم پرداخت. این پیشکسوتان برگزیده که به واقع «یک از هزاران» عرصه تربیت معلم کشور محسوب می‌شوند و ما به لطف خداوند در میان حلقه‌های پنهان خدمت معلمی، توفیق شناخت‌شان را یافته‌ایم، به ترتیب الفبایی نام، عبارتند از:

- استاد آمنه احمدی

- استاد مریم براهویی جهانشاهی

- استاد فهیمه جمالی راد

- استاد فاطمه علمدار

- استاد عبدالمجید نگارش‌نژاد

ذکر نام اینان به عنوان نمونه‌ای از همه مدرسان دانشگاه در مراسم هفته آموزش، پاسداشت خدمت صادقانه همه مدرسان تربیت معلم کشور است. آنان، جانهای درمان‌گرند نه تن‌های درمانده. آنان در مقام معلمی، یکی‌اند؛ و هر یک که در مقام تجلیل قرار گیرند، گویی که همگان تجلیل شده‌اند. آنان را رازی است که در بیان نمی‌گنجد و اگر ممکن باشد، خود بر زبان جاری می‌سازند. پس به بیان خواجه این کلام را به پایان می‌برم:

گفتا تو از کجائی کاشفته می‌نمائی	گفتم منم غریبی از شهر آشنائی
گفتا سرچه داری کز سر خبر نداری	گفتم بر آستانت دارم سر گدائی
گفتا کدام مرغی کز این مقام خوانی	گفتم که خوش نوائی از باغ بینوائی
گفتا ز قید هستی رو مست شو که رستی	گفتم به می پرستی جستم ز خود رهائی
گفتا جوئی نیززی گر زهد و توبه ورزی	گفتم که توبه کردم از زهد و پارسائی
گفتا به دلربائی ما را چگونه دیدی	گفتم چو خرمی گل در بزم دلربائی
گفتا من آن ترنجم کاندز جهان نگنجم	گفتم به از ترنجی لیکن به دست نائی

گفتا چرا چو ذره با مهر عشق بازی
گفتا بگو که خواجه در چشم ما چه بیند

گفتم از آنکه هستم سرگشته‌ئی هوایی
گفتم حدیث مستان سری بود خدائی

نعمت‌الله موسی‌پور

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی و قائم‌مقام ستاد مرکزی بزرگداشت هفته آموزش

آمنه احمدی



استاد آمنه احمدی در سال ۱۳۳۰ در تهران به دنیا آمد. از سال ۱۳۶۰ وارد خدمت آموزش و پرورش شد و از سال ۱۳۶۲ تاکنون مشغول خدمت در تشکیلات تربیت معلم است. احمدی مدرس پردیس نسبیّه تهران با مدرک کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی است. ایشان علاوه بر این، به عنوان مشاور آموزشی ریاست دانشگاه فرهنگیان خدمات برجسته‌ای ارائه کرده‌اند که از جمله می‌توان به همکاری در تدوین برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران و تدوین و اجرای طرح جدید کارورزی دانشجومعلم‌ان اشاره کرد. ایشان به عنوان رئیس کارگروه بازنگری برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی، نخستین سرفصل دروس یکی از رشته‌های دانشگاه فرهنگیان را بر اساس شایستگی محوری و تلفیقی بودن بازنگری و تدوین نمودند. در ادامه مقاله ایشان به مناسبت هفته آموزش آمده است:

آموزش حرفه‌ای در تربیت معلم

معلم‌ان هر روزه با تصمیم‌گیری‌های پیچیده‌ای که آینده دانش‌آموزان و متعاقباً جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، روبرو هستند. در فرایند آموزش حرفه‌ای معلم‌ان باید فرصت‌هایی را در اختیار داشته باشند که به طور مداوم تجربیات حاصل از تصمیمات خود را مورد واکاوی قرار داده و با درک کنش خویش و پیامدهای حاصل از آن امکان آموختن از تجربیات را برای کمک به یادگیرندگان در درک ظرفیت‌ها و شکوفایی آن، کسب نمایند. این امر مستلزم توجه کردن و دوباره دیدن است. آنچه که بعد از دهه ۱۹۵۰ از آن تحت عنوان ایده کارگزاران محقق^۱ یا معلم به عنوان داننده^۲ و فکور^۳، تحقیق برای فهم و یادگیری در طی مشاهده^۴ و تأمل و تحقیق^۵ در موقعیت‌های کلاس درس نام برده شده است.

^۱ -Inquiry Practitioner

^۲ -knower

^۳ - thinker

^۴ - observation

^۵ - inquiry

آنچه در این دیدگاه‌ها مورد توجه قرار گرفته است انجام یک فعالیت صرف فنی، مکانیکی و دارای قالب‌ها و ساختارهای مشخص از قبل پیش‌بینی شده نیست، بلکه عملی طبیعی است که در فرایند زندگی شخصی و حرفه‌ای معلم جاری و ساری است. تأملی که بر یادگیری معلم و دانش‌آموز به طور همزمان تأثیر گذاشته و به بهبود فرایند یادگیری آنان کمک می‌کند.

به همین دلیل است که برخی از صاحب‌نظران، کانون آموزش حرفه‌ای را تئوری یا تکنیک نمی‌دانند. بلکه تدریس را در درجه اول یک فرایند تجربی می‌دانند، فرایندی که در آن معلمان مداوماً با شرایط پیچیده‌ای روبرو شده و نیازمند قضاوت تجربی برای انتقال ارزشی‌های تربیتی به عرصه عمل هستند.

متأسفانه در حال حاضر بخش اعظم برنامه‌های آموزش حرفه‌ای در تربیت معلم اختصاص به عرضه مجموعه‌ای دارد که معلمان باید بدانند؛ و به همین دلیل است که در آموزش حرفه‌ای به جای آن که تلاش‌ها به دنبال درک سبک تدریس⁶ معلم - که با هویت شخصی و حرفه‌ای او پیوند برقرار می‌کند- باشد، بر آموزش روش‌ها و فنون تدریس⁷ متمرکز است. توجه به سبک تدریس معلم به تصمیم‌گیری درباره مشخصه‌های طبیعی فرد یا فرهنگ موقعیتی که آموزش در آن صورت می‌گیرد، وابسته است. در حقیقت شخصیت معلم با آموزش اثر بخش پیوند خورده است و تأکید بر سبک تدریس در آموزش معلمان موجب می‌شود تا معلم هر موقعیت یادگیری را یک واقعه منحصر بفرد دانسته و بر اساس ویژگی‌های شخصی و انتظارات از او در موقعیت طبیعی کلاس درس تصمیم‌گیری نماید. در واقع تدریس عملی وابسته به موقعیت است و به شکل طبیعی با ویژگی‌های شخصی معلم و آن چه او در یک مکان و زمان خاص در ارتباط با یادگیرنده انجام می‌دهد، ارتباط دارد.

⁶ - Teaching style

⁷ - Teaching method

سبک تدریس معلم با آنچه از آن تحت عنوان دانش عملی نام برده می‌شود پیوند دارد و نیازمند تلفیق انواع دانش (دانستن چه، دانستن چگونه، دانستن این که چه زمانی و چرا فرایند معینی بکارگرفته می‌شود) برای پاسخ به یک وظیفه در موقعیتی پیچیده و متغیر است. درک این نکته که چه می‌توان انجام داد همیشه نوعی کشف و شهود است، درک پیامدهای عمل در یک موقعیت، زمان و مکان خاص نیازمند مرور زمان است و صرفاً در صورتی قابل دریافت است که نگاه نقادانه‌ای نسبت به عمل انجام شده، در شرایط خاص وجود داشته باشد.

در این معنا عمل حرفه‌ای همانند کوه یخ شناوری است که انواع دانش بخش بیرونی آن و ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی معلم (سبک تدریس) بخش زیر آب را تشکیل می‌دهند. اتفاقاً این بخش که شامل مفاهیم شخصی، نگرش‌ها، ارزش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی معلم است و تأثیر تعیین‌کننده‌ای در عملکرد حرفه‌ای او دارد، و به طور مستقیم قابل رویت نیست.

با توجه به تأکیدات اسناد بالادستی مبنی بر تلفیق آموزش نظری و حرفه‌ای در برنامه‌های درسی تربیت معلم، برنامه کارورزی بر کسب دانش موقعیتی - که حاصل مطالعه تأملی و واکاوی تجربیات در عرصه عمل می‌باشد - تأکید دارد. در حقیقت ماهیت مساله‌ها در موقعیت واقعی کلاس درس و مدرسه است که تعیین‌کننده نوع دانشی است که دانشجو در عرصه واقعی کلاس درس به آن نیاز دارد.

در این رویکرد دانشجو از طریق بکارگیری روش‌های مختلف استدلال، بررسی موقعیت و ادراکات خود نسبت به آن، خلق راهبردها و چارچوب‌بندی‌های جدید از مسایل، و ارزیابی پیامدهای آن، عمل حرفه‌ای را می‌آموزد. دانشجو با کسب تجربیات دست اول درک خود را از موقعیت‌های آموزشی و تربیتی توسعه داده و با استفاده از شیوه‌های نواندیشانه و بی‌بدیل برای عمل و ارزیابی پیامدهای اخلاقی و تربیتی آن تصمیم‌گیری می‌کند. این امر در گرو گذر دانشجو از دانش صریح به دانش ضمنی است که از طریق "تأمل برای عمل"،

"تأمل به هنگام عمل" و "تأمل پس از عمل" در یک زمینه خاص حاصل می‌شود. این نوع دانش به راحتی قابل بازنمایی نیست، و می‌توان آن را با بهره‌گیری از مهارت‌های فراشناخت، بیان روایت‌ها و واکاوی آن در قالب پژوهش روایتی بدست آورد. زمانی که دانشجو روایتگر عملکرد خود می‌شود، و می‌تواند با تأمل از تجربیات خود بیاموزد، میل به یادگیری و ارتقای سطح توانایی‌های حرفه‌ای در او شکل گرفته و به سختی‌ها و بلا تکلیفی‌های پژوهش حین عمل تن می‌دهد و این گفتگو را به عنوان یک گفتگوی بی پایان میان خود (پژوهشگر) و موقعیت آموزشی ادامه خواهد داد.

در این فرایند نقش استاد ارائه مستقیم دانش حرفه‌ای در قالب حقایق، قوانین و دستورالعمل‌ها و موقعیت‌های غیر مسئله‌ای^۸ که کارورزی را به صورت یک مهارت آموزی فنی^۹ می‌بیند، نیست. بلکه او باید از آموزش قوانین ثابت و حقایق فراتر رفته، و بر موقعیت‌های نامعین عمل، و گفت‌وگوی فکورانه با موقعیت برای دستیابی دانشجو به تجربیات گرانمایی که حاصل ترکیب آموخته‌ها و رخداد‌های واقعی کلاس درس است، تأکید نماید. در چنین فرایندی است که استاد با ارائه بازخوردهایی که دریافت‌های دانشجو را به چالش می‌کشد، به او در درک محدودیت‌ها و قابلیت‌های شخصی و تلاش برای دستیابی به شایستگی‌های سطوح بالاتر کمک می‌نماید. در چنین شرایطی رابطه استاد و دانشجو رابطه‌ای برابر خواهد بود که دو طرف رابطه تبدیل به یادگیرندگان علاقه‌مند و مشتاق به یادگیری خواهند شد.

"به امید تربیت معلمانی که خود پژوهشگر عمل خویش باشند".

^۸ - Nonproblematically

^۹ - Technical Training

مریم براهویی جهانشاهی



استاد مریم براهویی جهانشاهی متولد ۱۳۴۴ در زاهدان و مدرس پردیس رسالت سیستان و بلوچستان است. ایشان از سال ۱۳۶۲ وارد خدمت آموزش و پرورش شد و از سال ۱۳۶۹ به خدمت در تربیت معلم مشغول است. وی دارای مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است. براهویی در توصیف آغاز کار خود در تربیت معلم نگاشته است: «گرچه در بدو امر با مشکلات فراوانی همچون کم سن و سال بودن و نداشتن تجربه کاری برای رویارویی با قشر دانشجو و همینطور عزیزان سن و سال دارِ ضمن خدمت مراکز و مطالب سخت‌تر از سطح متوسطه، مجبور به مطالعه و تحقیق و جمع‌آوری مطالب از هر جایی و هر استادی و متوسل شدن به اساتید حوزه علمیه به صورت مستمع آزاد برای دریافت مطلب مورد نیازم بودم... اما با عنایات حق و همراهی‌های خانواده، این سختیها و تلاش‌های شبانه‌روزی را پشت سر گذاشتم.»

دغدغه‌های ایشان در ارتباط با تربیت معلم خواندنی است.

آموزش در مراکز تربیت معلم

سپاس فراوان پروردگاری را که جهان هستی را با تدبیر حکیمانه خویش همسان و هماهنگ با احتیاجات و نیازهای بشری سامان داده است. درود و تحیات بی‌کران بر والاترین معلم و مربی انسان (حضرت محمد (ص)) که با مدد وحی بشریت را به صراط مستقیم رهنمود ساخت و همچنین درود بی پایان بر ائمه معصومین (ع) که همواره عنایات و توجهات خود را بر تعلیم و تربیت جامعه بشری صرف داشته و دارند و همه علما و اندیشمندانی که در این راستا کوشیده و رسالت نشر علم و تقویت عقل و تهذیب نفوس را بر عهده گرفته‌اند.

در بیان اهمیت و جایگاه علم همین بس که اولین آیات نازل شده بر پیامبر مکرم (ص) دعوت به خواندن و توجه به قدرت تعلیم و یادگیری بشر است. خداوند در آیات فراوانی دلیل بعثت پیامبرانش را تعلیم و تربیت و تزکیه انسان به عنوان موجودی تربیت‌پذیر بیان داشته است.

و هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (سوره جمعه، آیه ۲)

متأسفانه در اکثر مدارس و مراکز علمی، بشر به تعلیم قناعت شده است و مسئله تربیت و تزکیه یا به فراموشی سپرده شده یا امری انحصاری و وظیفه ای خاص برای گروهی تعریف شده است. بسیاری از معلمان سعی خود را صرفاً به پر کردن اذهان دانش‌آموزان با محفوظات و سرانجام پیروزی و موفقیت در امتحانات محدود ساخته‌اند که بخشی از این عملکرد مربوط به نظام آموزشی موجود است. بدون شک هیچ امری در مسائل تعلیم و تربیت زیان‌بخش‌تر از این مسئله نیست چون بشر می‌تواند منهای بسیاری از معلومات ذهنی به زندگی ظاهر انسانی خود ادامه دهد، ولی هرگز نمی‌تواند با وجود تمام پیشرفت‌ها و تکنیک‌ها منهای تزکیه و تربیت صحیح به زندگی واقعی و معنادار دست یابد.

اسلام واقعیت زندگی زمینی بشر را فراموش نکرده و پیشرفت‌های مادی که مسلمین داشته و دارند مبین این حقیقت است که باید آنها بر فراز قله‌های کامیابی و موفقیت و پیشرفت‌های شگرف تجلی کنند. از این روست که پرورش همه‌جانبه انسان را مد نظر خویش قرار داده است. نبود علم و معنویت، علم و ایمان و علم و اخلاق خلاء امروز دنیای متمدن و پیشرفته با تمام بحران‌های فراروی بشری است.

در کشور ما مراکز علمی و دانشگاهی که وظیفه تعلیم و تربیت نسل جوان و مؤثر و مفید جامعه را با عنوان مراکز رشد و تعالی بر عهده دارند، رسالتی بسیار سنگین بر دوش می‌کشند که اگر نتوانند بستر مناسبی بر این امر باشند آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر علم و عقلانیت و دین ایجاد خواهد شد. یکی از این مراکز علمی که باید با نگاهی خاص بدان نگریسته شود مراکز تربیت معلم است این مراکز امروز همچون گذشته تبعیدگاه دانش‌آموزان و دانشجویان تنبل و ضعیف و بی‌بنیه نیست و فارغ‌التحصیلان آن متصدیان دانش و

ارزش و فرهنگ جامعه خواهند بود که آنچه باید در این راستا ضرورتاً مورد توجه قرار گیرد تعلیم و تربیت مناسب و شایسته این قشر است.

رشد و تعالی همه جانبه معلم امروز مرهون بازسازی، نوسازی و غنی‌سازی و تغییر شیوه‌ها و نگرش‌ها و ایجاد زمینه‌های بالندگی فکری و عملی است. پس امروز که با درک و درایت متولیان امر بهترین‌های علمی و شخصیتی را با تعهد معلم خوب بودن در مجموعه مراکز علمی گرد آورده‌ایم باید فرصت را غنیمت بدانیم تا آنچه سالها نتوانسته‌ایم بدان برسیم (تولید علم انسانی و دینی) ممکن شود.

__ با برنامه‌ریزی درست باید علم را از حیطه شناختی و معرفتی خارج ساخت و قدرت کاربردی و عملیاتی به آن داد.

__ معلم امروز باید بتواند دانش‌آموز خلاق و نقاد و جستجوگر بسازد پس باید خودش ساخته شود.

__ رشد معلمان امروز در گرو پژوهش و تحقیق واقعی است که باید مراکز تربیت معلم با تمام امکانات و زیرساخت‌های لازم بر این امر مهیا شوند.

__ وجود اساتید و مربیان دلسوز و توانا و مجرب و متعهد و متخصص در این امر ضروری است.

__ توجه به مطالبات به حق مدرسان و اساتیدی که سالهای مفید و زیادی از عمرشان را بی چشمداشت و صادقانه صرف این امر مهم نموده‌اند می‌تواند رضایت و خشنودی ایجاد کند که تجارب ارزنده و سازنده‌شان در تغییر و تحولات و بهینه‌سازی شرایط جدید مؤثر واقع شود.

در پایان برای همه مسئولین و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت که تلاش‌های بی وقفه و شبانه‌روزی‌شان را صرف احیا و به پا داشتن این مراکز (دانشگاه فرهنگیان) نموده‌اند آرزوی نصرت و پیروزی و پایداری دارم.

فهیمة جمالی راد



استاد فهیمة جمالی راد مدرس پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد است. ایشان در سال ۱۳۴۰ در شهر مقدس مشهد به دنیا آمد و از سال ۱۳۵۸ وارد عرصه آموزشگری شد و در سال ۱۳۶۶ تدریس در تربیت معلم را آغاز نمود. ایشان درجه کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم قرآن و حدیث اخذ کرده است. جمالی راد در طول خدمت خود دانشجومعلمان بسیاری را پرورش داده و منشا خدمات بسیاری بوده است.

در ادامه مقاله ارسالی ایشان در مورد «جایگاه تربیت معلم در نظام آموزش و پرورش» را می‌خوانیم:

جایگاه تربیت معلم در نظام آموزش و پرورش

آموزش و پرورش مبنای توسعه است و سرمایه انسانی در دنیای امروز ارزش بیشتری از ثروت های طبیعی پیدا کرده اند، لذا انسانهای دانا، توانا و متعهد سرمایه های واقعی و حقیقی هر کشور را تشکیل میدهند به عبارت دیگر منبع پایدار هر جامعه نیروی انسانی کارآمد آن است که از لحاظ فکری، اجتماعی و اخلاقی تربیت شده باشد.

از سوی دیگر بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش تابع مؤلفه های متعددی است که از مهمترین آنها میتوان به برنامه های درسی و آموزشی (محتوی) با هدف آموزش تفکر علمی و کیفیت منابع انسانی (معلم) اشاره نمود. در این میان اهمیت نظام تربیت معلم که پرورش دهنده سرمایه انسانی مورد نیاز رشته ها و دوره های مختلف تحصیلی است مبرهن و مورد تأکید است زیرا محصول این نظام، معلمان هستند که نقطه آغاز تحول آموزش و پرورش بوده و قادر هستند محیطهای آموزشی را به فضای محبت، رشد، بالندگی مبدل و زمینه انتقال عناصر فرهنگی به نسل نوخاسته و اعمال روش های مناسب تربیتی و آموزشی را فراهم آورند.

بنابراین تحولات اساسی در نظام تربیتی وابسته به کیفیت نظام تربیت معلم است به عبارت دیگر تربیت معلمان کارآمد و واجد شایستگی های حرفه ای و اخلاقی، تحقق انتظارات و اهداف تربیتی را امکان پذیر خواهد نمود. مؤید این گفتار سخن نغز و حکیمانه رهبر معظم انقلاب در مورد اهمیت نظام تربیت معلم است که فرمودند: "مسئله دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است و از جمله چیزهایی است که باید به طور جدی به آرایش درونی آن توجه شود، معلم اگر شخصیت خودش ساخته نباشد نمیتواند به متعلم خود، به مخاطب خود چیزی بدهد. این جا شخصیت معلمین ساخته میشود"

در طول سالیان گذشته مراکز تربیت معلم شاهد فرود و فرازهای بسیاری بوده اند، اما در سال های اخیر با تدابیر و برنامه های راهبردی مسئولان، مراکز از حالت رکود خارج شده و با تبدیل شدن آنها به دانشگاه فرهنگیان نقطه عطفی در تاریخ آموزشی تربیت معلم بوجود آمده است. همگام با این تحول که سیر تکاملی خود را آغاز نموده و بسوی پایداری وثبات پیش می رود، روحیه پژوهشی و دانش افزایی در بین استادان پردیس ها ایجاد شده و تلاش می کنند مقاطع تحصیلی خود را تا سطح تحصیلات تکمیلی ادامه دهند که در ارتقای سطح آموزشی دانشگاه فرهنگیان بسیار مؤثر است

جهت رعایت اختصار به برخی از موارد مهم که باید جهت تحقق اهداف مذکور مورد توجه متولیان و مسوولان محترم قرار گیرد اشاره می شود:

۱- نظر به اهمیت و نقش معلمان به عنوان محصول نظام تربیت معلم و اعتبار، ارزش و تاثیری که در تحقق اهداف تعلیم و تربیت بر عهده دارند سرمایه گذاری به منظور تربیت و تأمین این رکن مهم از سودمندترین سرمایه گذاری های مؤثر و زیربنایی خواهد بود.

۲- تبیین الگوی استادی با استفاده از ظرفیت و توانمندی های درونی دانشگاه فرهنگیان باید مورد بازبینی و سازماندهی مجدد قرار گیرد و با توجه به نقش تربیتی این دانشگاه لازم است موضوع هیأت علمی به عنوان معلمان معلم پرور در ابعاد مختلف مورد دقت و تأمل باشد.

۳- مراکز تربیت معلم که رسالت خطیر تربیت نیروی انسانی آموزش و پرورش کشور را عهده دار است خود نیازمند توجه خاص به حفظ و نهادینه سازی ارزش های اسلامی و تطبیق گزاره های دینی با پیشرفت علم و فناوری می باشد به نحوی که به اقتضای زمان پاسخگویی به همه مسائل مورد نیاز دانشجو معلمان در زمینه های مختلف اسلامی به صورت اقناعی و بر اساس تعقل نه تحمیل عقیده امکان پذیر باشد.

۴- نظر به اینکه درسالیان گذشته امر آموزش در مراکز تربیت معلم رونق بیشتری داشته و به مقوله پژوهش کمتر توجه شده لذا قالب، نظام و زیر ساخت های یک مجموعه دانشگاهی را نداشته است و لذا ضروری است متولیان، جهت تحقق این امر مهم چاره اندیشی نمایند تا امکان پیشرفت و ارتقاء اعضای هیئت علمی و همچنین مبادرت دانشجو معلمان به امر تحقیق فراهم گردد.

فاطمه علمدار



استاد فاطمه علمدار (متولد ۱۳۳۵ در شیراز) مدرس پردیس شهید باهنر شیراز است. ایشان تحصیلات کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی را در دانشگاه شیراز تجربه کرد و از سال ۱۳۵۸ مشغول خدمت در آموزش و پرورش شد. وی از سال ۱۳۶۱ در مرکز تربیت معلم تدریس می‌کنند و با بیش از ۳۰ سال سابقه خدمت در تربیت معلم، از مدرسان باسابقه کنونی دانشگاه فرهنگیان هستند. خانم علمدار در سال ۱۳۹۳ به عنوان استاد برتر پردیس شهید باهنر شیراز و در سال ۱۳۹۴ به عنوان «مدرس پیشکسوت برگزیده دانشگاه» معرفی شدند.

آنچه در ادامه می‌آید، برخی از نظرات ایشان است که برای این مجموعه تنظیم شده است. با سپاس از ایشان.

نکاتی در مورد تربیت معلم

در جهان امروز تربیت نیروی انسانی یکی از برجسته‌ترین شاخصهای تحول و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. چنین تحولی تحقق نخواهد یافت مگر اینکه طرز تفکر و عمل مدیران و کارگزاران نظامهای آموزشی به ویژه معلمان تحول یابد. محیطهای آموزشی زمانی می‌توانند اثربخش و کارآمد باشند که کلیه فعالیتهای آموزشی از معیارهای مشخص علمی برخوردار باشند. در فعالیتهای آموزشی، معلمان و مدیران مدارس عناصر اصلی و کلیدی تحول نیروی انسانی محسوب می‌شوند. بنابراین باید از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشند. معلمان کارآمد و اثربخشند که با نظریه‌ها، مبانی، اصول و روشهای تعلیم و تربیت آشنا باشند و با بینشی هنرمندانه و اقتضایی، محیطی را فراهم سازند که به جای انتقال اطلاعات و تحمیل اندیشه، شایستگی، خودکنترلی و خودتحولی را در دانش‌آموزان تقویت کنند تا آنها بتوانند شخصا معمار تعلیم و تربیت خود باشند.

در عصر انفجار اطلاعات، معلمان تنها منبع انتقال دهنده دانش و معرفت علمی نیستند. عوامل زیادی در انتقال دانش و شکل‌گیری اندیشه نسل جوان مؤثرند، بنابراین آنها باید طراح، مدیر و جهت دهنده فعالیتهای آموزشی باشند. نقش آنها باید سازمان‌دهی، راهنمایی و تسهیل‌گری فعالیتهای آموزشی باشد نه صرفاً انتقال اطلاعات و دانش علمی.

در حال حاضر متولی تربیت معلم، دانشگاه فرهنگیان می باشد که بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در صدد تربیت معلمانی است که بتوانند حیات طیبه را محقق سازند. حیات طیبه همان زندگی پاک، باصفا، زلال و نورانی است که در آن تمام ابعاد وجودی انسان به کمال می‌رسد و در مقام قرب الهی می‌نشیند. در حیات طیبه همه ساحت‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی، جسمی و زیستی، اجتماعی و سیاسی، علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه‌ای، هنری و زیبایی‌شناسی انسان با تربیت صحیح به تدریج مراتب کمال خود را با محوریت ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، طی نموده و آماده لقای الهی می‌گردد. در حیات طیبه، پذیرش شریعت الهی و تربیت ربوبی، امری آزاد، آگاهانه و اختیاری است.

با توجه به اهداف خطیر تربیت معلم عریضی را تقدیم می دارم:

الف) پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان از سال ۹۱ تاکنون با توجه به تربیت معلم در جهت حصول به حیات طیبه صورت گرفته لذا لازم و ضروری است که گزینش دانشجویان با دقت بیشتر و اصولی‌تر از آنچه اکنون مورد نظر است اتفاق بیفتد و دانشجویانی به دانشگاه فرهنگیان راه پیدا کنند که علاوه بر استعداد و توان بالا از نظر علمی، مخلصانه و عاشقانه علاقه‌مند به شغل معلمی باشند و حد مطلوبی از کیفیات ادراکی معلم خوب را داشته باشند و نه فقط به این دلیل که بورس هستند و شغل آینده آنها تضمین است به این دانشگاه روی آورده و پذیرفته شوند. بهتر است از بدو ورود برای آنها حکم کارگزینی صادر نشود یا شرطی قانونی با این مضمون که دانشجو باید در طی ۴ سال تحصیل، لیاقت خود را نشان دهد و در پایان دوره

تحصیل از آنها آزمون جامع گرفته شود و از نظر فن معلمی و اخلاق مجدداً گزینش شوند. در این صورت کار را تمام شده نمی‌انگارند و در جهت تعالی سعی بیشتری می‌کنند و مجدانه‌تر درس خوانده و توانایی‌های خود را نشان می‌دهند.

ب) اساتید دانشگاه فرهنگیان نیز علاوه بر اینکه از کانال جذب هیت علمی جذب می‌شوند باید عاشق معلمی باشند و حتماً سابقه معلمی داشته باشند. کسی که معلمی نکرده و زوایای این حرفه مقدس را تجربه نکرده است چگونه می‌تواند معلم خوبی تربیت کند!؟

ج) دانشگاه فرهنگیان بایستی با معاونت‌های آموزش ابتدایی و متوسطه وزارت آموزش و پرورش در ارتباط مستقیم باشد تا از تغییر و تحولات کتب درسی و روش‌های تدریس مطلع شوند.

د) فضای آموزشی و پژوهشی و کتابخانه‌ای و علمی و فناوری را باید گسترش بخشید و بخصوص کتابخوانی را در بین دانشجویان ترویج داد. معلم باید خود اهل کتاب خواندن باشد تا دانش‌آموزان را به کتاب خواندن راغب کند.

ه) برای رشته‌هایی که آزمایشگاه جزو لاینفک رشته است آزمایشگاه‌ها تجهیز شود و گسترش یابد تا نیاز به استفاده از آزمایشگاه‌های دانشگاه‌های دیگر نباشد.

و) به انتشار نشریه‌های تخصصی علمی (سالنامه، فصلنامه، ماهنامه، گاهنامه) همت گماشت البته با مشارکت فعال دانشجویان.

ز) به نظر من تربیت معلمان مؤثر زمانی اتفاق می‌افتد که تمام فعالیت‌های علمی و تربیتی دانشگاه با نگرش دانشجومحوری صورت گیرد.

برای مثال دانشجویان نیاز دارند در کاربرد اندیشه‌ها، کشف معانی و شناخت ارزش و اعتبار آنها تشویق گردند و بدانند که نباید تنها به یاد گرفتن اندیشه‌ها اکتفا کرد بلکه باید با آنها دست و پنجه نرم کرد و آنها را شکافت و زیر و رو کرد. در این راستا، اجرای تریبون آزاداندیشی در دانشگاه بسیار ضروری است.

ح) دانشجویان باید در برنامه تربیت معلم مانند بازیگران نمایش شرکت جویند نه همچون تماشاچی، و خود را بخشی از فرایندی احساس کنند که در آن مشارکت دارند برای اینکه چنین احساسی به وجود بیاید آنها باید بتوانند حرفهای خود را به گوش مسئولان برسانند و حرفهای آنها را هم بشنوند.

ط) دانشجویان تربیت معلم باید با کودکان محشور و معاشر باشند که این امر در کارورزی اتفاق می‌افتد و با معلمان شاغل در تماس باشند تا در جریان مسائل حل نشده حرفه معلمی قرار گیرند و از تجربیات گرانسنگ و واقعی آنها بهره‌مند شوند که این مطلب هم در کارورزی رخ می‌دهد.

ی) به مسائل رفاهی دانشجویان تربیت معلم بایستی رسیدگی شود و کمبودهای آنها برطرف شود زیرا خود را با دانشگاه‌های مادر مقایسه می‌کنند زیرا می‌توانستند به سایر دانشگاه‌ها نیز بروند.

ک) دانشجویان طی ۴ سال دانشگاه باید از نظر شخصیتی نیز رشد کنند و توانایی‌های خود را در عرصه معلمی با کمک اساتید مجرب و با سابقه به منصه ظهور برسانند و قادر باشند از قدر و منزلت معلمی در جامعه دفاع کنند و جایگاه خود را به عنوان حرفه‌ای مهم و بی‌بدلیل در قیاس با سایر مشاغل به اثبات برسانند و این امر اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه اعتماد به نفس بالایی در زمینه حرفه معلمی کسب کنند و به طور مستمر این اعتماد به نفس تقویت شود. و جامعه بصورتی نباشد که معلمان را مصرف‌کننده تصور کنند در صورتی که همه می‌دانیم اولین تولیدکننده هر جامعه معلمانند که نیروی انسانی جامعه را تولید می‌کنند که مهمترین ثروت هر جامعه است.

ل) دانشجومعلم‌ان باید بدانند و درک کنند که وظیفه بنیادی تربیت آینده‌سازان جامعه اسلامی ایران را بر عهده دارند و افراد جامعه فردا به دستان‌شان در تمامی ساحت‌های تربیتی رشد می‌کنند و بارور می‌شوند و مسئولیت نقش الگویی معلم را بصورت پررنگ نصب‌العین خود قرار دهند.

م) در رابطه با محتوای دروس ارائه شده در دانشگاه فرهنگیان باید خاطرنشان کرد که علاوه بر تدریس دروس تخصصی هر رشته، درس‌های مربوط به روش تدریس و فنون معلمی مهمترین موضوع در زمینه آموزش دانشگاه فرهنگیان به نظر می‌آید لذا باید عنایت ویژه‌ای به این دروس داشت بدین صورت که اساتید محترم روش‌های تدریس به جدیدترین روش‌های تدریس تسلط کافی داشته باشند و این درس را بصورت کارگاهی ارائه دهند تا دانشجویان بتوانند این روش‌ها را به روانی و راحتی و بدون دغدغه هنگام شروع کار به صورت رسمی در مدارس اجرا کنند.

ن) در رابطه آمادگی بیشتر دانشجویان برای ورود رسمی به مدارس لازم است که سازمان آموزش و پرورش با دانشگاه فرهنگیان ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد و در درس کارورزی هنگام مراجعه به مدارس با گرمی و صمیمانه پذیرفته شوند و مدیران محترم و معلمان دلسوز، صادقانه تجارب خود را در سبب اخلاص تقدیم معلمان آینده کنند و این امر برای همگان نهادینه شود که اساس رشد هر مملکتی آموزش و پرورش و در محور آن، معلمان اثربخش هستند. معلمینی که از همه جوانب برای آینده‌سازان الگو قرار می‌گیرند لذا معلمان آینده باید در دوره تربیت معلم به صورت همه‌جانبه بستر تربیت‌شان فراهم شود تا با اعتماد به نفس بالا و خودباوری وارد گردونه آموزش و پرورش شوند.

شایان ذکر است که در عصر جهانی، این مطلب باید مد نظر قرار گیرد که معلمان نیاز به کسب اطلاعات جدید سخت‌افزار و نرم‌افزاری و استفاده تخصصی از آنها دارند چرا که دانش‌آموزان باید یادگیرندگانی

جهانی شوند که مستلزم داشتن معلم جهانی است که ان هم مستلزم تجدید نظر در هویت حرفه‌ای معلمی در پرتوی تحولات جهانی می‌باشد.

در پایان بر اساس تجربه ۳۰ ساله خدمت در مرکز تربیت معلم (از سال ۶۳ تاکنون) اظهار دارم که همواره در کلاسهای درس خود (بیشتر درس کلیات روش تدریس) به دانشجویها تأکید دارم که معلم باید با آمادگی کامل در کلاس حاضر شود و این موضوع مستلزم این است که طرح درسی مدون داشته باشند و در همین راستا بر روی آموزش طرح درس دقت بسیار دارم و دقت و تأکید بسیاری روی تکالیف طرح درس دانشجویان دارم. به علاوه روشهای تدریس جدید باید بصورت کارگاهی فرا گرفته شود. از معلمان موفق دعوت بعمل می‌آورم تا به صورت زنده در حضور دانشجوی معلمان تدریس کنند. در صورت داشتن وقت، فیلمهای تدریس جشنواره الگوهای برتر تدریس نشان داده شود و بچه‌ها تدریسها را نقد کنند. و چون در حال حاضر درس کلیات (۲) از سر فصل دانشگاه فرهنگیان حذف شده، از همکاران صمیمانه درخواست دارم که دانشجویان را ترغیب به تدریس در کلاس بکنند و نه ارائه کنفرانس و پس از ارائه تدریس به آنها بازخوردی اصلاحی دهند تا دانشجویان برای تدریس مستقل در مدارس آماده‌تر شوند.

در مورد الگو بودن معلم از تمام زوایا و اینکه معلمی عشق است، هنر است، سوختن است و ساختن را دائما به دانشجوی معلمان تذکر می‌دهم. و گفته می‌شود اگر می‌خواهید معلم درجه اول و ماندگار باشید با تمام وجود تدریس کنید و هرگز خدا را فراموش نکنید و مطمئن باشید دانش‌آموزان این مطلب را درک می‌کنند.

و من ا... توفیق

آیت‌الله کریمی باغملک



دکتر آیت‌الله کریمی باغملک متولد ۱۳۵۳ در دهشت کهنگیلویه و بویراحمد و هم اکنون مدرس پردیس حضرت رسول اکرم (ص) خوزستان و سرپرست مرکز آموزش عالی امام جعفر صادق (ع) بهبهان است. ایشان در سال ۱۳۷۲ پس از فارغ‌التحصیلی از تربیت معلم آبادان به عنوان معلم در آموزش و پرورش بهبهان مشغول به کار شد. دکتر کریمی در سال ۱۳۹۰ دکترای روان‌شناسی (سنجش روانی) را با طراحی مقیاس اضطراب ریاضی در ایران و هند از دانشگاه میسور هند دریافت نمود. وی صاحب چندین مقاله علمی-پژوهشی و بین‌المللی است و هم اکنون داور دو مجله بین‌المللی و مجله انجمن روان‌شناسی ایران می‌باشد. از دیگر فعالیت‌های ایشان، تألیف چند کتاب، دبیری و داوری در همایش‌های علمی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی است. مقاله «آموزش و تعلیم و تربیت» به قلم ایشان در ادامه آمده است:

آموزش و تعلیم و تربیت

دانشگاه فرهنگیان به عنوان یکی از مهمترین بسترهای مرتبط و حیاطی در تربیت و آموزش معلمان دارای جایگاه ویژه‌ای است. توجه به برنامه‌های تربیت معلم همگام با تحولات جهانی در عصری که عصر اطلاعات و دانایی نامیده شده از الزاماتی است که متخصصان حوزه تعلیم و تربیت باید به آن بپردازند. زیرا یکی از ضروری‌ترین ابزارها در ارتقای نظام های آموزشی معلمان می باشد. به عقیده بعضی از صاحب‌نظران اندیشیدن درباره چگونگی اصلاح تربیت معلم، به مثابه پرداختن به مهم ترین رکن نظام تعلیم و تربیت است که باید در میان متفکران جامعه به آن اهمیت زیادی داده شود. (مهر محمدی، ۱۳۹۲)

آموزش، به معنای آموختن و تعلیم دادن است و به عنوان عمل یا نفوذ و تأثیر بر معنایی که غالباً تا سال ۱۹۵۰ برای Education در نظر گرفته می شد، منطبق است. این تعریف متأثر از تعریفی است که در آغاز قرن حاضر (۱۹۱۱ م) دورکیم از تعلیم و تربیت کرد و از این طریق طرز فکر تربیتی چند نسلی از مریبان را تحت تأثیر قرار داد. اما از سال ۱۹۱۲ میلادی به تعریفی بر می‌خوریم که آهنگی جدید ایجاد کرد. تسهیل

رشد هر چه کامل تر استعدادهای هر شخص، هم به عنوان فرد و هم به عنوان عضو جامعه، (شکوهی، ۱۳۸۵) و به گفته هینیچ (۱۹۹۷)، آموزش عبارت است از سازماندهی اطلاعات و محیط برای تسهیل یادگیری. آموزش به طور عام، مترادف با ارتقای آگاهی انسان، در زمینه زمینه‌های مختلف می باشد. بر اساس این تعریف آموزش به افراد خاص، به سنین خاص، به مکان ویژه و به موضوع مشخص، محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه ممکن است در مورد همه افراد، در همه موضوعات، در همه زمینه‌ها، در همه مکان‌ها، با ابزار مختلف، به انحای گوناگون و در زمینه‌های متنوع صورت پذیرد (تقی زاده، ۱۳۸۴). آموزش، مبنای توسعه است و سرمایه‌های انسانی در دنیای امروز، ارزشی گرانبهارتر از ثروت‌های طبیعی و زیرزمینی پیدا کرده‌اند.

مفهوم توسعه که پس از جنگ جهانی دوم رایج گردیده است، امروزه به عنوان اصطلاحی فراگیر در بخش‌های مختلف به کار برده می شود و صاحب‌نظران تعاریف متعددی از آن ارائه کرده‌اند. برخی از آنان توسعه را متأثر از عواملی چون منابع طبیعی، سرمایه و نیروی انسانی دانسته و نهادهایی را به عنوان موتور محرک توسعه معرفی نموده‌اند. از این میان عامل انسانی، اصیل‌ترین نقش در نیل به اهداف توسعه را به عهده دارد، به طوری که «امروزه هر کس قبول می‌کند که موفقیت اقتصادی ژاپن هیچ ارتباطی به مواد خام نداشته و در عوض کاملاً مبتنی بر شیوه تعلیم و تربیت بوده است» (مهدی زاده، ۱۳۸۸).

پس آموزش را باید شرط اصلی توسعه دانست، زیرا که نهاد آموزش، نهادی نگرش‌ساز بوده و آموزش، عنصر اصلی توسعه نیروی انسانی است. (همان) و بدین ترتیب نقش زیر بنایی نظام‌های آموزشی در کلیه سطوح در تحقیق آرمان‌های جامعه روشن می‌شود و باز به طور مثال «ژاپن توسعه خود را بعد از جنگ جهانی دوم با برنامه‌ریزی بلند مدت شروع کرد و بیشترین نقش را به آموزش و پرورش داد. (تصدیقی، ۱۳۸۵). بنابراین، نهادینه شدن آموزش در توسعه جوامع بشری بسیار ارزشمند است و طرح‌ریزی برنامه‌های

آموزشی به عنوان مهم ترین عامل پویایی نظام و برای رسیدن به اهداف آموزشی، به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد.

آموزش در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از ویژگی‌های مهم در تربیت معلمان نیز به شمار می‌رود. چنانچه برخورداری از استاندارد آموزشی بالا از ویژگی‌های مهم در افق ۱۴۰۴ در سیستم آموزش و پرورش کشور می‌باشد. در حقیقت، چون معلم معمار اصلی نظام آموزشی است، اگر بخواهیم در نظام آموزشی تغییر و تحول ایجاد کنیم اول باید معلمان تحول‌گرا و تحول‌خواه تولید نماییم لذا چنین به نظر می‌رسد که تربیت چنین معلمانی در سیستم آموزش و پرورش کشور دارای اهمیت بسیار حیاتی می‌باشد. (کاظمی، ۱۳۹۱)

نظام‌های آموزش در گذرا از مسائل کمی و همگانی کردن آموزش ناگزیر از توجه به مسایل کیفی پدیده‌های آموزشی هستند و ارتقا کیفیت آموزشی از دیدگاه مدیریت کیفیت جامع و استانداردهای دیگر: ضمن توجه به منابع و تجهیزات، از طریق اصلی‌ترین عامل در یک نظام آموزشی یعنی، معلم «مورد توجه و هدف‌گیری قرار گرفته است. نقش معلم به عنوان یکی از پررنگ‌ترین مؤلفه‌های امر آموزش دیده می‌شود و می‌توان حکم کرد که مؤثرترین و کارسازترین مؤلفه نظام تعلیم و تربیت، معلم یا همان کارگزار اصلی و حقیقی آموزش و پرورش است. (حاجی زاده، ۱۳۹۱).

در بررسی شاخصها و عوامل مؤثر بر توسعه همه‌جانبه جوامع، سازمان‌ها و دانشگاه‌ها، امر تعلیم و تربیت و بحث آموزش و پرورش، نقش و جایگاه ویژه‌ای داشته و یکی از ارکان هدایت‌کننده این جریان است. در طی فرایند تعلیم و تربیت، مهمترین ابزار و سرمایه برای دستیابی به اهداف عالی، سرمایه‌های انسانی یا همان معلمان هستند و آشکار است که قرار گرفتن این سرمایه‌های عظیم و بالقوه در مسیر کلی جریان هدفمند توسعه همه‌جانبه جوامع، برای استفاده بهینه از حداکثر پتانسیل‌ها و به خدمت گرفتن آنها در جهت ارتقای

سطح دانش جامعه و در نتیجه بالا رفتن کارایی ایشان در یک سیستم مدیریت شده دانش مدار، یعنی دانشگاه فرهنگیان امری ضروری می باشد. (حسینی، ۱۳۹۱)

هنگام بررسی جایگاه آموزش به عنوان یکی از زیرساخت های الگوهای توسعه، در نظر گرفتن کلیه عوامل مؤثر در آن بر اساس استانداردهای علمی و فنی و تأثیرات اقتصادی امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد. توسعه زیرساخت های آموزشی در سازمان ها و دانشگاه ها غالباً در دو محور زمان و مکان قابل بررسی است. به عبارت دیگر ابزار و لوازم مورد نیاز در جهت شکلگیری این گونه از آموزش هم از جنبه زمانی و هم از جنبه همه گیر بودن و اشاعه عمومی یافتن در سطح جامعه باید شاهد رشد کیفی از دیدگاه علمی و فنی باشد (همان، ۱۳۹۱).

در بعد زمانی وقتی از توسعه آموزش در یک جامعه پیشرفته صحبت می کنیم، استانداردها و متدهای مد نظر خواهد بود که جریان آموزش را در مسیری هدفدار و با تکیه بر اصول و امکان سنجی ها و نیازسنجی ها در هر دوره زمانی و برای هر شرایط سنی تامین نماید. روند یکنواخت و هدفدار در این نوع از آموزش ها از جریان های مقطعی و بدون برنامه جلوگیری می کند و آموزش را در بالاترین سطح کیفی در اختیار دانش پذیران قرار می دهد. همچنین وقتی در بعد توسعه مکانی به جریان توسعه آموزش های جوامع پیشرفته بپردازیم، مطالعه و گزینش سیستم های آموزشی با تکیه بر اصول و فناوری های نوین در امر آموزش امری ناگزیر است.

در این عرصه سیاست های آموزشی باید منطبق با شرایط اقتصادی، فرهنگی کلیه اجزا جامعه باشد و اصول رشد اطلاعاتی همگانی را مورد توجه قرار دهد تا تأثیر آموزش های ارائه شده در فرایند توسعه سازمان پدیدار شود (همان). مدیریت چنین سیستم هایی بر اساس چارچوب ها و استانداردهای تعیین شده بسیار حیاتی و حساس می باشد. لذا طراحی و تدوین برنامه های اصولی، استراتژی ها و نیاز سنجی ها در نظام

آموزش و پرورش از طریق فرایند علمی و به روز و تخصصی امکان‌پذیر خواهد بود و این فرایند در دانشگاه شایسته‌سالار و دانش‌محور فرهنگیان قابل تحقق است.

بنابراین دانشگاه فرهنگیان و نظام تربیت معلمان با توجه عمیق به متون و برنامه‌های آموزشی و مدیریت دانش و بهره‌برداری اصولی از آن در ایجاد تغییرات فرهنگ دانشگاهی و تکیه بر زیر ساخت‌های آموزشی و تربیتی و برخورداری از استانداردهای مناسب نقش بنیادینی در تحول نظام آموزشی جامعه دارد. همچنین با توجه به جایگاه و نقش زیربنایی دانشگاه فرهنگیان در تحول سند بنیادین نظام آموزش و پرورش، اهتمام خاص بر مسیر آموزش و تربیت انسانی متعهد و متخصص در جهت تقویت هویت دینی و ملی و آینده نگری و تدوین استراتژی‌های راه‌اندازی زیرساخت‌های آموزشی و تربیتی متناسب با شاخص‌های توسعه و تربیت معلمانی شایسته، متعالی و دانا‌محور، اجتناب‌ناپذیر است.

مجتبی مقصودی



دکتر مجتبی مقصودی (متولد ۱۳۵۳ در سربند اراک) استادیار رشته آموزش زبان انگلیسی پردیس شهید باهنر اراک دانشگاه فرهنگیان است. ایشان با ۱۸ سال سابقه تدریس، موفق به چاپ ۱۰ کتاب، ۶۰ مقاله در نشریات معتبر داخلی و خارجی و ارائه مقاله در بیش از ۳۰ کنفرانس ملی و بین‌المللی شده است. علاوه بر آن ۴۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه را مشاوره و داوری کرده است. دکتر مقصودی در سال ۱۳۹۳ به عنوان مدرس نمونه دانشگاه فرهنگیان انتخاب شده است. در ادامه مقاله ایشان درباره «آموزش در تربیت معلم» آمده است:

آموزش در تربیت معلم

یکی از موضوعات مهم زندگی بشر، مسئله تربیت است. تربیت عبارت است از فرایند آگاه‌سازی متربی و مورد مراقبت قرار دادن او به نحوی که به انجام بعضی رفتارها خو گرفته و انجام برخی رفتارها را ترک کند. در جهان امروز تربیت یکی از سپرهای مقاوم و مهم برای انسان می‌باشد که اگر همراه عقل و روشنفکری باشد کارساز بوده و در همه مسائل بشر دخل و تصرف می‌کند.

از نگاه شریعت اسلامی انسان مجموعه‌ای از استعدادها و بالقوه است که برای به فعلیت در آوردن این استعدادها و توانایی‌ها، نیازمند تعلیم و تربیت است. آنچه هدف تعلیم و تربیت اسلامی است حقیقت‌جویی و حصول رستگاری است و این مساله جز از طریق تعلم و تعقل در کنار تزکیه حاصل نمی‌شود. از نگاه اسلام رشد عقلانی به موازات رشد اخلاقی صورت می‌گیرد و به تعبیری این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به‌عنوان مهمترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت بسزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش‌آموزان، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. تمامی

فعالیت‌های معلم، مانند شناخت فرایند رشد کودکان و نوجوانان، شیوه‌های تدریس و علاقه‌مندی به رشته تدریس خود، از عواملی هستند که در آموزش و پرورش دانش‌آموزان، دخالت زیادی دارند. معلمانی که در تدریس خود از شیوه‌های متعددی استفاده می‌کنند، بر محتوای رشته تدریس خود تسلط دارند و به کار خود عشق می‌ورزند، اغلب دانش‌آموزانی توانا و خلاق پرورش می‌دهند. معلم برای کسب موفقیت در تدریس، باید از نظریه‌های نوین آموزشی و روانشناسی آگاهی و اطلاعات لازم و کافی داشته باشد. روش تدریس معلم باید با اصول و اهداف آموزش و پرورش و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان هماهنگ باشد، تا بتواند ضمن جهت دادن به فعالیت‌های تربیتی و آموزشی خود، شاگردان را به سوی اهداف تعلیم و تربیت هدایت و راهنمایی کند.

یکی از سازمان‌های مهم هر جامعه که می‌تواند انتظارات مذکور را محقق سازد، مراکز تربیت معلم است که در آن معلمان مورد نیاز دوره‌های مختلف تربیت می‌شوند. محصول این نوع مراکز، معلمانی هستند که نقطه آغاز هر تحول آموزشی و پرورشی بوده و قادر هستند با دانش و مهارتی که کسب کرده‌اند، چهره سازمان‌های آموزشی را دگرگون سازند و فضای مدارس را به فضایی لذت‌بخش همراه با رشد و بالندگی مبدل کنند و موجبات رشد شخصیت کودکان و نوجوانان را فراهم سازند.

تربیت معلم نقطه شروع هر تحولی در آموزش و پرورش است. این نشان دهنده اهمیت کار مراکز تربیت معلم است که وظیفه پرورش معلمان با صلاحیت و توانمند برای نظام آموزشی کشور را عهده دارند. معلمان هسته مرکزی تغییرات آموزشی و ماموران قدرتمند و فعال تغییر هستند که توان ایجاد تغییر در سطوح فردی و جمعی را دارند. همانگونه که نقل شده است اگر می‌خواهیم تغییر در زندگی اجتماعی بوجود آوریم، باید از مدرسه شروع کنیم و اگر بخواهیم از مدرسه شروع کنیم، بی تردید باید از معلم شروع کنیم.

تربیت معلمانی مؤثر و با انگیزه که بتوانند کودکان و نوجوانان آینده را پرورش داده و برای آینده‌ای بهتر، مجهز نمایند، از اهداف عالی آموزش و پرورش در هر جامعه است و دانشجومعلم‌ان مراکز تربیت معلم از مهمترین سرمایه‌هایی هستند که می‌توانند با برنامه‌های صحیح آموزشی و پرورشی، سهم مهمی را در امر بازسازی و پیشرفت جامعه به عهده داشته باشند. میزان علاقه و رضایت نسبت به شغل معلمی و همچنین سلامت روانی دانشجومعلم‌ان از جمله عواملی است که نقش مهمی در کارآیی آنها خواهد داشت. لذا نظر به اهمیت موضوع و با هدف افزایش بهداشت روانی و نگرشهای مطلوب شغلی در دانشجو معلم‌ان، مراکز تربیت معلم با اهتمام ویژه در این مسیر خطیر گام بر می‌دارد.

ویژگی آموزش در مراکز تربیت معلم نسبت به سایر مراکز آموزشی از این بعد نیز قابل تامل است که در این مراکز علاوه بر آموزش تئوری‌های لازم، دانشجویان به عملیاتی کردن تئوری‌ها نیز مبادرت می‌کنند تا جامعه هدف خود را که قرار است سکان‌داران کشور شوند به درستی هدایت کنند. این مراکز هنگام جذب دانشجو به دو نکته توجه می‌کنند: نخست گزینش دانشجومعلم‌ان و دیگر آموزش آنان. در مورد گزینش، ضوابط موجود را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد تا اگر معیارهای مربوط به صلاحیت‌های اخلاقی و منشی مغفول مانده‌اند، آنها را احیا و مورد تأکید قرار دهد و حتی‌الامکان با استفاده از معیارهای عینی اشخاص صاحب صلاحیت را برای این مسئولیت خطیر برگزید. امید است متولیان امر تعلیم و تربیت در کشور ما به اهمیت موضوع توجه لازم و کافی داشته باشند و با تقویت نهادهای تربیت معلم، معلمان ورزیده، با دانش و متدین تحویل مکاتب دهند و معلمان عزیز هم به خطیر بودن مسئولیت‌شان ملتفت باشند و آنگونه که باید ایفای نقش کنند.

نعمت‌الله موسی‌پور



دکتر نعمت‌الله موسی‌پور (متولد ۱۳۴۳ در بافت کرمان) دانشیار پردیس نسیمیه تهران و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان و دانش‌آموخته رشته برنامه‌ریزی درسی است. ایشان از زمان حضور در دانشگاه فرهنگیان، برای بازسازماندهی مقررات آموزشی و اجرای آنها تلاش کرده و در گروه تدوین‌کنندگان برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشته است. از

جمله سوابق وی: انتشار حدود ۷۰ مقاله در نشریات علمی پژوهشی، ارائه ۸۰ مقاله در همایش‌های علمی، مدیریت و مشارکت در انجام ۳۰ طرح تحقیقاتی، انتشار ۶ کتاب تألیفی و ۳ کتاب ترجمه و همکاری در تألیف ۶ عنوان کتاب، راهنمایی و مشاوره بیش از ۸۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های مختلف، ارائه دهها کارگاه آموزشی در دانشگاه‌های کشور و سخنرانی در نهادها و سازمانها و مراکز علمی کشور است. آنچه در ادامه می‌آید، یادداشتی از ایشان است.

پیامبر (ص) و آموزش

بیش از یکسال پیش در موقعیتی که به هفته گرامیداشت پژوهش می‌اندیشیدم (۱۴ دی ماه ۱۳۹۲)، پرسشی

ذهن مرا درگیر ساخت: «آیا در آنچه آن را پژوهش و گرامیداشت مقام پژوهشگران می‌نامیم، می‌توان

شواهدی از پیروی پیامبر (ص) یافت؟» نتیجه تامل در آن پرسش، یادداشتی شد که با عنوان «پیامبر (ص) و

پژوهش» منتشر گردید. این فرصت سال پیش نیز پدید آمد تا به پرسشی دیگر بیندیشم: کدامین خصیصه

پیامبر (ص) بیش از همه می‌تواند به معلمی کردن معلمان به عنوان وارثان پیامبر (ص) کمک کند؟ اینبار

توفیق یافتم در آستانه سالروز تولد پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) ایده‌ای را در پاسخ به پرسش خود قلمی

نمایم و اکنون که در آستانه ولادت جهان‌افروز پیرو صدیق آن رهبر بی‌مانند - یعنی امام علی (ع) - و عید

بزرگ مبعث هستیم، به مناسبت هفته آموزش آن را به اشتراک اندیشه‌ورزان پیرو پیامبر (ص) بگذارم و به سبب این توفیق، خداوند را شاکر باشم.

اینکه پیامبر (ص) دارای ده‌ها صفت منحصر به فرد بوده، موضوعی است که آثار متعدد عالمان بزرگ بر آن گواهی می‌دهند. اما اینکه کدام صفت پیامبر (ص) می‌تواند نشانه‌ای از وجه «معلمی» ایشان باشد، نیازی است که معلمان پیرو پیامبر (ص) آن را به درستی ادراک می‌کنند. وقتی کسی به معلمی می‌پردازد و سرمست از عشق به پیامبر (ص) است، ضروری است که در عمل معلمی خود نیز، نمودی از نشانه‌های پیامبر (ص) را آشکار کند؛ آنگونه که دیگران ببینند و او بتواند بگوید: پیامبر (ص) اسوه اعمال من است.^{۱۰} پرسش این است که معلمان پیرو پیامبر (ص) خود را به کدام صفت (صفات) پیامبر (ص) بیشتر بیارایند که برآیند چنین پیرویی باشد؟

در تشریح عمل پیامبر (ص) از خصایصی گفته‌اند که تاسی معلمان به آنها می‌تواند معلمی کردن را بهبود بخشد: «هر که را می‌دید مبادرت به سلام می‌کرد و کسی در سلام بر او سبقت نگرفت»، «سکوتی طولانی داشت و تا نیاز نمی‌شد لب به سخن نمی‌گشود» و «هرگز با کسی جدل و منازعه نمی‌کرد»^{۱۱}. این گونه امور خاص با همه ارزشمندی عملی خود، دارای محدودیت موضوعی هستند و نیازهای متنوع معلمان در موقعیت‌های متنوع و متغیر کلاس درس را پوشش نمی‌دهند. آنچه طلب می‌شود، صفتی جامع است. پیام عمل پیامبر (ص) را نمی‌توان صرفاً با تحلیل آن، ادراک کرد. آنچه ایشان را به تمامه مطرح می‌کند، می‌تواند نماد پیامبری وی باشد. همچنین، صفات پیامبری دارای پویایی و زیایی موقعیتی هستند. خشک و ثابت و بی‌تحرك نیستند. در حال تحول و شدن‌اند. حتی دارای گونه‌های متنوع ظهورند. مثل خود پیامبر (ص)

^{۱۰} لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (قرآن کریم: احزاب/ آیه ۲۱)

^{۱۱} منتهی الآمال؛ و مکارم الاخلاق

هستند؛ زنده و پویا و سازنده و نوآور. ایشان بود که وقتی فرمود: «من استوی یوماه فهو مغبون»^{۱۲}؛ یعنی هر کس دو روزش یکسان باشد، مغبون است و ضرر کرده است؛ خود به واقع چنین می‌زیست و در تجربه خود، آن را آزموده بود. وی در حالیکه در عمل واحد پیامبری بود، هیچ دو روزی را مثل هم سپری نکرد. این ظهور گوناگون در واقع دارای منشایی زایا بود که یگانگی را بر رفتار حاکم می‌داشت و گوناگونی را هم آشکار می‌ساخت. همین خصیصه پیامبر (ص) است که می‌تواند به حرفه معلمی و معلمان حرفه‌ای، مدد رساند؛ حرفه‌ای که وحدت بنیادین را با گوناگونی نمادین درهم می‌آمیزد تا با کمک آن، معلمان به رسالت مقدس خود بپردازد.

معلمی، حرفه‌ای است که هم در موضوع‌های خود با تنوع همراه است هم در موقعیت‌ها. این حرفه از آن جهت که دارای بنیادهای اصولی است، گرایشی به ثبات دارد و از آن جهت که دارای موقعیت‌ها و مصادیق گوناگون است ضرورت پویایی را آشکار می‌سازد. شاید وقتی گفته‌اند «شغل معلمی همان شغل انبیاست»^{۱۳}، عنایتی به همین وجوه دوگانه حرفه معلمی داشته‌اند: کثرتِ عملی برخاسته از وحدتِ صفاتی. بنیاد ثابت زاینده فروع متنوع. وقتی معلمی در حال انجام است، «ارتباط» بنیاد آن را می‌سازد؛ اما ارتباط مقید به رودرو بودن و معطوف به هدف خاص تربیتی است. در این فرایند، چهار مولفه «ایجاد ارتباط»، «استمرار ارتباط»، «اثربخش ساختن ارتباط» و «ارزشیابی ارتباط» را می‌توان متمایز کرد. آنچه معلمی کردن را جلوه خاص می‌دهد و دارای کیفیات متفاوت می‌سازد، نوع عمل عامل در همین مولفه‌های چهارگانه ارتباط تربیتی است. همین ارتباط در نبوت هم مطرح است؛ زیرا نبی برای ایجاد ارتباط آمده است. این وجه کار نبوت، آن را به حرفه معلمی مشابه می‌کند. یعنی پیامبر (ص) هم به مثابه انسان در فرایندی از ارتباط (حضور و غیرحضور) با دیگر انسان‌ها گفتگو می‌کند و پیام رسالت را به آنان ارائه می‌نماید و این عمل، با حضور

^{۱۲} ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۸۸؛ عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۸۵.

^{۱۳} صحیفه نور، ج ۷ ص ۲۵۵

مخاطبان در موقعیت پیوند دارد. آنچه این حضور را ممکن می‌کرد، امر آمرانه یک سلطان نبود؛ بلکه صفتی بود که در وجود پیامبر (ص) ریشه داشت و جوشش آن سبب تاثیر بر پیرامون می‌شد؛ و آن همان است که خداوند آن را «خُلُقِ عَظِيمٍ» نامید: **وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ**؛ و راستی که تو را خویی والاست! (قرآن، قلم، آیه ۴).

اکنون باید پرسید که خُلُق چیست؟ طبرسی خُلُق را این‌گونه تعریف کرده است: «حقیقت خُلُق آداب و خوی‌هایی است که نفس آدمی کسب می‌کند. از آن جهت خُلُق نامیده شده که همانند امور خلقی و آفرینشی در انسان می‌شود، اما سجایا و خوی‌هایی که طبیعی انسان است «خیم» نامیده می‌شوند. از این‌روی، «خُلُق»، همان طبیعت مکتسب و «خیم» طبیعت غریزی می‌باشد»^{۱۴}. «خُلُق» در اصطلاح، عبارت است از ملکه یا کیفیت راسخ در نفس که به خاطر آن از انسان افعالی بدون فکر و تأمل سر بزنند. «ملکه» حالت و کیفیتی نفسانی است که به کندی تحقق و دیر زوال می‌یابد. در مقابل آن، «حال» قرار دارد که کیفیتی نفسانی است و به سرعت از بین می‌رود. خُلُق از طریق مزاج و عادت به انجام کاری بدون فکر و تأمل و نیز با تکلیف و صبر و پایداری بر انجام کاری به وجود می‌آید^{۱۵}. مثلاً، کسی که به ممارست پرداخته و دارای خُلُق پرسش-گری است با حضور در موقعیت‌های انسانی، کنجکاوی‌اش آغاز می‌شود و پرسش‌هایش شکل می‌گیرد و او شاهد است که ذهنش سرشار از پرسش شده است. این پرسش‌ها به طور آشکار، خود را بر بینندگان دیگر مشهود نمی‌سازند اما آشکار شدن آنها برای شخص دارای خُلُق پرسشگری، یک موضوع عادی است و نیازمند تلاشی ویژه و سخت نیست. وقتی از خُلُق عظیم پیامبر (ص) سخن به میان است، چنین صفتی مطرح است؛ که حاصل کوشش فردی است و البته در ارتباطات انسانی ظهور دارد. یعنی همان خصیصه‌ای که انسان‌ها را در پیرامون پیامبر (ص) حفظ می‌کند و امکان ابلاغ رسالت را می‌دهد. از همین‌روی، علامه

^{۱۴} مجمع‌البیان، طبرسی ج ۱۰، ص ۸۶.

^{۱۵} علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع‌السعادات مهدی نراقی)، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، ج ۱، ص ۶۰.

طباطبائی در ذیل آیه وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ می‌نویسد: «آیه یادشده گرچه به خودی خود حسن خلق پیامبر (ص) را ستوده و بزرگ می‌شمارد، اما از نظر سیاق، به اخلاق اجتماعی پیامبر (ص) نیز نظر دارد»^{۱۶}. اخلاق اجتماعی ناظر به معاشرت با مردم است و این موضوعی است که در احادیث دیگر هم آمده است^{۱۷}. آنچه در این بحث لازم است بر آن تامل شود، نحوه تحقق این خصیصه است. این خصیصه را پیامبر (ص) در فرایندهای طولانی تربیت خویش، تحقق بخشیده است. براین اساس، خُلُقِ عَظِيمِ پیامبر (ص) یعنی نمود تلاش تدبیرشده ایشان برای زیست در اجتماع بشری. این معنایی است که از بیان خداوند فهمیده می‌شود^{۱۸}. همین معنا رمز اصلی حفظ مردم در پیرامون پیامبر (ص) بود که سبب اثر پیام ایشان در حیات انسان‌ها می‌شد؛ رمزی که معلمان امروز و فردای جامعه ایران بدان نیازمند هستند تا شاگردان خویش را که از حق انتخاب برخوردارند، نزد خود نگاه دارند. آیا آنانکه معلمان فردای کشورند برای تحقق چنین خُلُقِ، هم- اکنون در فرایندهای تربیتی «ساختِ شخصیت» خود، در تلاش‌اند؟ آیا معلمی کردن را نیازمند چنین خصیصه‌ای زایا و پویا برای عمل متناسب در موقعیت‌های متنوع می‌دانند؟

البته آنان که دارای چنین باوری باشند و برای تحقق آن، تدبیر (کوشش برنامه‌ریزی‌شده) کنند، در همه حال نیاز خواهند داشت تا توفیق را از درگاه خدای کریم طلب نمایند؛ چنانکه پیامبر (ص) هم چنین می‌کرد و

^{۱۶} المیزان، سید محمدحسین طباطبائی، ج ۱۹، ص ۳۶۹

^{۱۷} احسن الحديث، ج ۱۱، ص ۲۷۹

^{۱۸} خداوند در ده آیه اول سوره قلم (با ترجمه استاد فولادوند)، چنین می‌فرماید: نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند (۱) [که] تو به لطف پروردگارت دیوانه نیستی (۲) و بی‌گمان تو را پاداشی بی‌منت خواهد بود (۳) و راستی که تو را خویی والاست (۴) به زودی خواهی دید و خواهند دید (۵) [که] کدام یک از شما دستخوش جنونید (۶) پروردگارت خود بهتر می‌داند چه کسی از راه او منحرف شده و [هم] او به راه یافتگان داناتر است (۷) پس از دروغ‌زنان فرمان مبر (۸) دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند (۹) و از هر قسم خورنده فرو مایه‌ای فرمان مبر (۱۰).

همیشه از خداوند می‌خواست که او را به آداب خوب و اخلاق نیک زینت دهد؛ و می‌فرمود: «خدایا اخلاق مرا نیکو گردان و از اخلاق بد دورم ساز.^{۱۹}» به زبان مولانا^{۲۰}:

گفت آری گر توکل رهبرست

این سبب هم سنت پیغمبرست

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اشتر ببند

رمز الکاسب حبیب الله شنو

از توکل در سبب کاهل مشو

در توکل جهد و کسب اولی ترست

زانکه در ضمنش محبت مضمربست

^{۱۹} محجة البیضاء؛ فیض کاشانی

^{۲۰} مثنوی معنوی، دفتر اول

عبدالمجید نگارش نژاد



استاد عبدالمجید نگارش نژاد، مدرس پردیس حکیم فردوسی کرج، متولد ۱۳۳۵ در شهریار است. ایشان از سال ۱۳۶۴ وارد آموزش و پرورش شدند و از سال ۱۳۶۶ تاکنون به عنوان مدرس مشغول تدریس در تربیت معلم هستند. نگارش نژاد دارای مدرک کارشناسی اقتصاد و کارشناسی ارشد علوم تربیتی و تألیفات و تحقیقات متعددی است و در سال ۱۳۹۳ به عنوان استاد نمونه استانی دانشگاه فرهنگیان انتخاب شده است. آنچه در ادامه می‌آید مقاله ایشان با عنوان «رسالت آموزشی دانشگاه فرهنگیان» است:

رسالت آموزشی دانشگاه فرهنگیان

سن ورود به مقطع پیش دبستانی در پنج قاره جهان از ۲ تا ۵ سالگی و سن ورود به دبستان از ۵ سالگی است. با توجه به اهمیت آموزش در این دو دوره، در بسیاری از کشورها آموزش در این دوره‌ها اجباری است، حساسیت امر آموزش و مخصوصاً آموزش در این دو دوره باعث شده که تقریباً تمام کشورها برای تربیت معلم در مقاطع مختلف آموزشی، مراکز و یا دانشگاه‌های تربیت معلم تأسیس می‌کنند و در کنار فارغ‌التحصیلان مراکز، دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها را نیز برای رفع کمبود معلم استخدام کرده و پس از اجرای دوره‌های آموزشی شش ماهه، یک ساله و یا دو ساله، آن‌ها را برای شغل معلمی آماده می‌نمایند.

تربیت معلم به عنوان نوعی مرکز آموزش عالی و با هدف تربیت و پرورش معلم برای سطوح مختلف آموزشی از دبستان تا دبیرستان در همه کشورهای دنیا وجود دارد، در برخی کشورها این مراکز به صورت شبانه‌روزی بوده اما در کشورهای پیشرفته صنعتی تربیت معلم شبانه‌روزی وجود ندارد. طول دوره تحصیل در این مراکز در کشورهای مختلف از ۲ سال تا ۶ سال متغیر می‌باشد. این مراکز در پاره‌ای از کشورها وابسته به آموزش و پرورش و در برخی دیگر وابسته به آموزش عالی و در پاره‌ای از کشورها نیز زیرمجموعه هر دو وزارت‌خانه می‌باشند.

چون امروزه نیروی انسانی کارآمد در عرصه‌های مختلف، سرمایه هر سازمان به حساب می‌آید و هم‌چنین به خاطر تغییرات پدید آمده در روش‌های آموزش و یادگیری و توسعه روزافزون فن‌آوری‌های پیشرفته انتقال و تبادل بسیار سریع اطلاعات، نقش معلم از پخش‌کننده صرف دانش و اطلاعات دور شده است و به سوی آفرینندگی دانش و تسهیل‌کنندگی فرایند یادگیری نزدیک می‌شود. در نتیجه نقش مراکز تربیت معلم از جمله دانشگاه فرهنگیان به عنوان مراکز تخصصی تربیت معلمان مورد نیاز جوامع بیش از پیش اهمیت می‌یابد و معلمان به عنوان خروجی مراکز تربیت معلم مطلوب، سرمایه اصلی آموزش و پرورش هر کشور و کلید توسعه کشورها محسوب می‌شوند.

پس باید مراکز تربیت معلم از نظر امکانات، فضای یادگیری و بخصوص هیئت علمی متخصص، متعهد و مجرب طوری تجهیز شوند که قادر باشند معلمینی را تربیت کنند که بتوانند در آینده چنین نقشی را در مدارس ایفا نموده و علاوه بر آن روح‌بخش ایمان، امید و نشاط در پرتو تعالیم اسلامی باشند و نیروی انسانی مورد نیاز کشور را تربیت نمایند. مهم‌ترین مسئله‌ای که برای نیل به این هدف باید به آن توجه کرد، موضوع آموزش در مراکز و دانشگاه‌های تربیت معلم است.

تولید مهارت، ایجاد تخصص و افزایش کیفیت معلمی و به‌کارگیری آنها در امر آموزش، مراقبت و نگهداری و بهره‌وری بهینه از معلمان حرفه‌ای، شایسته و کارآمد از نکات مشترک نظام آموزشی می‌باشند. بحث در مورد کمیت، چگونگی و کیفیت آموزش این مراکز امری نیست که در این مختصر بگنجد، بنابراین و به‌ناچار فهرست‌وار به موضوعاتی اشاره می‌شود که رعایت آنها در آموزش این مراکز و دانشگاه‌ها برای دستیابی به هدف تربیت معلم فکور و دارای شایستگی‌های حرفه‌ای و اخلاقی ضروری است.

۱- دروس برنامه‌های آموزشی این مراکز و دانشگاه‌ها باید شامل موارد زیر باشد:

الف- دروس عمومی شامل اطلاعات عمومی برای احراز صلاحیت عمومی معلم.

ب- دروس تخصصی برای کسب صلاحیت علمی معلم.

ج- دروس تربیتی برای احراز صلاحیت حرفه‌ای معلم.

۲- ارتقای سطح کیفی آموزش به حدی که دانشجومعلم تربیت معلم در حیطه شناختی حداقل به "قلمرو

تحلیل" و در شکل ایده‌آل به "قلمرو ارزشیابی"، در حیطه عاطفی، حداقل به "قلمرو ارج نهادن" و در شکل

ایده‌آل به "قلمرو وجدانی کردن ارزش‌ها" و بالاخره در حیطه روانی-حرکتی حداقل به "قلمرو خودکارشدن

عمل" و در شکل ایده‌آل به "قلمرو تطبیق و ابداع (تغییر رفتار با توجه به تغییر وضعیت)" برسد.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که دانشجومعلم پس از فراغت از تحصیل باید در طول خدمت سی

ساله خود، عهده‌دار مسئولیت آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان شود.

۳- توجه ویژه به درس کارورزی: این درس می‌تواند توانایی دانشجومعلم را از آموخته‌های تئوریک به

کاریست ارتقا داده و آنها در عمل مهارت‌های حرفه‌ای معلمی را کسب نمایند. گرچه دانشجویان دانشگاه

فرهنگیان در حال حاضر در سال دوم دانشجویی خود موظفند در مدارس تحت پوشش آموزش و پرورش،

دروسی را به‌عنوان کارورزی بگذرانند، اما توجه به روند اجرا و کیفیت آموزش در این درس ضرورتی

انکارناپذیر است.

۴- توجه به ارائه اهداف آموزشی-تربیتی به متعلمین: چون هدف یکی از ارکان مهم آموزش بوده و آموزش

نیز به عنوان یک فعالیت مهم و جدی معلمان است و آنها در کلیه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی خود

بویژه در تدریس و ارزشیابی دائماً با اهداف سروکار دارند، لذا آگاهی و کسب مهارت در زمینه شناخت و

کاربرد اهدافی که دانشمندان علوم تربیتی در امور آموزش و پرورش برای مقاطع مختلف تحصیلی تدوین کرده‌اند، برای آنان ضروری است.

۵- توجه جدی به فرایند تدریس: آموزش دانشجو معلمان باید دارای رویکردی جدی نسبت به کسب مهارت در فرایند تدریس آنها باشد، این مهارت‌ها شامل مجموعه اعمالی سنجیده و منطقی است که به منظور ارائه درس از طرف معلم صورت می‌گیرد. توانائی‌هایی که معلم برای انجام صحیح تدریس باید کسب کند عبارتند از:

الف- مهارت‌های قبل از تدریس

معلم قبل از ورود به مدرسه و تدریس در کلاس، باید خود را در موارد زیر آماده کند.

الف/۱- طراحی طرح درس سالانه

الف/۲- طراحی طرح درس روزانه

در تعیین طرح درس روزانه باید موارد زیر مورد تأکید قرار گیرند:

الف/۱/۱- تعیین هدف درسی جدید با استفاده از اصول و فنون طبقه‌بندی اهداف

الف/۱/۲- تعیین رفتار و آزمون ورودی

الف/۱/۳- تعیین مراحل و روش‌های تدریس

الف/۱/۳/۱- انجام امور مقدماتی قبل از شروع تدریس

الف/۱/۳/۲- آماده سازی متعلمین برای توجه و یادگرفتن درس جدید

الف/۱/۳/۳- ارائه درس جدید با تشخیص، انتخاب و استفاده از روش‌ها و فنون مناسب

الف/۳/۱-۴- انجام فعالیت‌های تکمیلی هم‌چون خلاصه‌کردن، جمع‌بندی و ارائه تکالیف آموزشی

الف/۳- انتخاب مواد و وسایل آموزشی و رسانه مناسب: وسایل کمک آموزشی ابزاری هستند که هنگام آموزش به کار برده می‌شوند و امر یاددهی- یادگیری را تسهیل می‌کنند.

الف/۴- تعیین فعالیت‌های یادگیری

الف/۵- طراحی ارزشیابی از آموخته‌های متعلمین، ارزشیابی از آموخته‌های متعلمین و بررسی بازدهی فعالیت آموزشی معلم، این طرح مستلزم: تعیین هدف ارزشیابی، انتخاب ابزار مناسب برای جمع‌آوری اطلاعات لازم، روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات و کشف نارسایی‌های آموزشی و در نهایت ارائه راه‌کارهای مناسب برای رفع نارسایی‌های آموزشی و بهبود کیفیت آموزش می‌باشد.

ب- مهارت‌های ضمن تدریس

مهارت‌های ضمن تدریس شامل: اجرای آزمون رفتاری، برقراری ارتباط، برقراری انضباط در کلاس و تمرکزبخشی، رفع موانع یادگیری و عوامل مخل آموزش (۱-عوامل ناشی از رفتار معلم ۲-عوامل ناشی از رفتار متعلمین)، آماده‌سازی متعلمین برای یادگیری، ارائه درس جدید (شامل: مهارت در انتخاب و تنظیم محتوی و روش ارائه درس جدید) و مهارت در انجام ارزشیابی‌های تکوینی است.

ج- مهارت‌های پس از تدریس

مهارت‌های پس از تدریس شامل فعالیت‌هایی است که معلم پس از ارائه درس انجام می‌دهد. این فعالیت‌ها عبارتند از:

۱- فعالیت‌های تکمیلی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- جمع‌بندی و خلاصه کردن درس ارائه شده

- مرور کردن درس (آهسته و بی صدا خواندن درس توسط متعلمین) و خلاصه‌نویسی روی تابلوی کلاس

- یادداشت کردن نکات اساسی درس توسط متعلمین

- آماده کردن متعلمین برای درس جلسه بعد

- ارائه تمرین برای کسب مهارت بیشتر و رفع نارسایی‌های آموزشی. تعیین این فعالیت پس از انجام

ارزشیابی پایانی و کشف نارسایی‌های آموزشی مؤثرتر خواهد بود.

۲- ارزشیابی تکمیلی (پایانی)

معلم با انجام ارزشیابی پایانی، آخرین مرحله از فعالیت‌های آموزشی خود را تکمیل کرده و از این طریق

نارسائی‌های آموزشی متعلمین را کشف و برای رفع آنها برنامه‌ریزی خواهد کرد که یکی از معمول‌ترین

روش‌ها، ارائه انواع مختلفی از فعالیت‌ها و تکالیف آموزشی فردی و جمعی می‌باشد.

والسلام.